



## سازمان دیدبان حقوق بشر

### "طالبان ده دالری" و حقوق زنان

زنان افغان و خطرات ناشی از جذب مجدد و مصالحه

#### خلاصه گزارش

"هنوز ما تحت (حکومت) طالبان قرار داریم و زندگی ما محدود به دیوارهای خانه مان است... ما نمی توانیم کار کنیم. ما نمی توانیم بدون همراهی شوهران ما به دیدار اقارب خود برویم. دختران من نمی توانند به مکتب بروند... زیرا ما مورد تهدید قرار گرفتیم، آنان مکتب را ترک گفتند. چگونه امیدها و آرزوهای داشتن یک زندگی عادی و صلح آمیز را می توانم داشته باشم؟"

- فاطمه ن.، ولایت مرکزی، 18 فبروری 2010

"من بالای شما دوباره صدا می کنم که برادرم! عزیز من! طالب جان، این سر زمین تو است. دوباره برگرد. اگر اشتبا از من باشد، من خود را در بعضی موارد ملامت می کنم و لی اگر اشتباه از تو باشد، تو را ملامت نخواهم کرد"

- رئیس جمهور حامد کرزی، 2 جون 2010<sup>1</sup>

"چه کسی قبل از همه از جنگ رنج می برد؟ این زنان افغان هستند. این زنان افغان هستند که خانه های شان را از دست می دهند و شوهران شان را که نان به خانه می آورند، از دست می دهند. به همین دلیل زنان مخالف ادغام مجدد و مصالحه نیستند زیرا اگر این روند صلح را به ارمغان بیاورد پس چرا نه؟ اما اگر حکومت بخواهد ادغام مجدد و مصالحه را یک شبه انجام دهد... در آن صورت البته شرایط برای زنان افغان وخیم تر خواهد شد."

- سمیرا حمیدی، رئیس اجرایی شبکه زنان افغان، کابل، 14 فبروری 2010

---

<sup>1</sup> سخنرانی رئیس جمهور حامد کرزی که به تاریخ 2 جون 2010 در تلویزون ملی افغانستان به نشر رسید (ترجمه انگلیسی از سوی یک دیپلمات در کابل در 11 جون 2010 از طریق ایمیل به دیدبان حقوق بشر فرستاده شد).

این لحظات اضطراب آوری برای زنان افغان است که میان جنگ شوم و چشم انداز صلح گیر کرده اند. زنان و دختران در مناطق منازعه افغانستان درحال پرداختن بهای سنگینی اند: به وسیله شورشیان و حملات هوایی کشته و زخمی می شوند؛ قوانین محلی ناموس و حرمت به وسیله "تلاشی های شبانه" خودسرانه توسط سربازان بین المللی نقض می شود؛ گشت و گذار آنها به خاطر ناامنی به شدت محدود می گردد؛ و بسیاری درحال از دست دادن نان آوران خانواده های شان می باشند. شورشیان پیوسته از طریق حملات بر مکاتب و تهدیدها علیه معلمان و دانش آموزان حق تعلیم و تربیه دختران افغان را سلب می کنند. به همین ترتیب، شورشیان با مورد حمله و تهدید قراردادن زنانی که بیرون از خانه کار می کنند حق معیشت زنان را نادیده می گیرند.

زنان افغان خواهان پایان یافتن منازعه اند. اما همزمان با نزدیک شدن مذاکرات با طالبان، بسیاری از زنان بیم آن را دارند که ممکن است آنها برای صلح نیز بهای سنگینی را بپردازند. آشتی با طالبان، گروهی که با سیاست های زن ستیزانه و سرکوب خشونت بار زنان مرادف است، نگرانی های جدی ای در باره از بین رفتن تدریجی و احتمالی حقوق و آزادی های جدیداً به دست آمده به وجود می آورد. دورنمای معامله با حزب اسلامی (گلبدین)، که آن نیز به داشتن اعتقادات سرکوبگرانه نسبت به زنان مشهور است، نگرانی های مشابهی به همراه دارد. تلاش های برخی برای انجام مذاکرات جهت باز تعریف شورش به عنوان (پدیده) عمدتاً "غیرایدئولوژیک" که تجارب زنانی را که در مناطق تحت کنترل طالبان زندگی می کنند، نادیده گرفته و این اضطراب و نگرانی ها را تشدید می کند.

حکومت افغانستان تحت رهبری رئیس جمهور حامد کرزی نه سال پس از سقوط حکومت طالبان، به مذاکرات با رهبران طالبان و دیگر گروه های شورشی روی آورده است. حکومت افغانستان و متحدان بین المللی آن که در مواجهه با منازعه ظاهراً پایان ناپذیر، و همچنین مردم افغانستان که به طور فزاینده از تلفات هزاران فرد ملکی ناراضی می باشند و فشار استراتژی خروج از سوی کشورهای کمک کننده که نیروی نظامی قرار دارد، به صورت روزافزون جستجوی راهکار برای گفت و گو را ضروری ساخته است. در کنفرانس بین المللی در ماه جنوری 2010 در لندن (کنفرانس لندن) در مورد افغانستان برگزار شد، حکومت افغانستان حمایت بین المللی را برای ادغام مجدد جنگ جویان مخالف در جامعه از طریق پروگرام های مورد حمایت مالی جامعه جهانی، بدست آورد. حکومت افغانستان در جون 2010 جرگه مشورتی صلح را برگزار کرد. این جرگه به حکومت صلاحیت داد که تلاش های خود را برای مصالحه شروع کند (این جرگه از سوی بعض سیاست مداران آپوزیسیون و طالبان تحریم شد). کنفرانس کابل برای ادامه بحث روی موضوعات کنفرانس لندن، از جمله جزئیات بیشتر تعهدات از سوی تمویل کنندگان برای پروگرام های ادغام مجدد جنگ جویان، در ماه جولای 2010 آغاز به کار خواهد کرد.

گزارش حاضر به تشریح تخطی های مستمر طالبان و حزب اسلامی (گلبدین) از حقوق زنان در طول چند سال گذشته در مناطق تحت کنترل شان می پردازد. این گزارش نگرانی های زنان افغان را در باره معاملات احتمالی با طالبان و دیگر گروه های شورشی تحت عنوان "ادغام مجدد" (پروگرام های که

برای تشویق جنگ جویان رده پایین تر به دست برداشتن از جنگ رویدست گرفته شده است) و "مصالحه" (مذاکرات صلح با فرماندهان شورشیان) نیز بازتاب می دهد و پیشنهاداتی را راجع به این که این گونه اقدامات شامل چه چیزهای باید باشد تا حقوق زنان را حفظ کرد، ارائه می دارد.

دیدبان حقوق بشر در تهیه این گزارش، با شمار معینی از زنان کارگر و زنان فعال در حیات سیاسی مصاحبه کرده است. این زنان در مناطقی که شورشیان در آن کنترل مؤثر دارند یا در جاهای که شورشیان حضور چشم گیر دارند و بازتاب دهنده ماهیت کنونی شورش است، زندگی می کنند. در بسیاری از این حوزه ها، زنان و دختران دریافته اند که بعضی از ظلم های دوره حکومت طالبان از 1996 تا 2001 بازگشته است. درحالی که این مناطقی است که پیش از این به لحاظ اجتماعی و مذهبی محافظ کار بوده است، داستان های زنان مصاحبه شونده اما نشان می دهد که تا چه حد گروه های شورشی بر زندگی آنها تأثیر می گذارند. به دنبال سقوط طالبان، بسیاری در یافتند که حقوق اساسی که مدت ها سرکوب شده بود احیا شده است. آنها شغل های شان را از سر گرفتند، دختران شان را به مکتب فرستادند، به پای صندوق های رای رفتند و حتا برخی وارد سیاست شدند. از زمانی که خیزش مجدد طالبان و سایر گروه های جنگ جو از 2005-2006 به بعد پاک گرفت، حقوق زنان بار دیگر به سرعت مورد حمله قرار گرفت.

بسیاری از زنانی که ما با آنها صحبت کردیم تماس های تلفنی و شب نامه های تهدیدآمیز دریافت کرده بودند. برخی از آنها به اخراج دختران شان از مکتب مجبور شدند. بعضی مجبور شده اند دست از کار بکشند و گشت و گذار شان را کاهش دهند.

برای مثال، اسما ا. در یک مکتب دخترانه در یکی از ولایت های جنوبی مشغول تدریس بود تا این که نامه تهدیدآمیزی از طالبان دریافت کرد. این مکتوب بیان می داشت:

"ما به تو هشدار می دهیم که شغل خود را به عنوان یک معلم به زودترین وقت ممکن ترک کنی در غیر این صورت ما فرزندان تان را سر خواهیم برید و دخترت را آتش خواهیم زد."

فرشته س. از یکی از ولایت های شرقی به ما چنین گفت:

"در قریه ما طالبان شب نامه ها (نامه های تهدیدآمیز یا هشدار دهنده) پخش کرد و هشدار داد که زنان نمی توانند بیرون از خانه بروند و به کار مشغول شوند. اگر آنها به کار بروند، در آن صورت کشته خواهند شد. این هشدار من و خانواده ام را دچار وحشت کرد و از آن زمان به بعد من تمام روزهایم را در خانه سپری کرده ام."

حملات خشونت بار طالبان علیه زنان، به خصوص آنانی که مشغول کارند، به امر معمول تبدیل شده است. به عنوان مثال، در 13 اپریل 2010 حمله کننده ناشناسی، هوسای، کارمند جوان امداد رسانی در

قندهار را هدف شلیک گلوله قرار داد. وی بر اثر جراحت های ناشی از این حمله در گذشت. او در هفته های قبل از کشته شدنش تلفن های تهدید آمیز از کسی که گفته بود که با طالبان است، دریافت کرده بود و به او هشدار داده بود که دست از شغل خود بردارد. روزهای بعد، زن دیگری که با یک سازمان غیردولتی بین المللی کار می کرد نامه ای دریافت کرد که به وی هشدار می داد که اسم او در عین فهرست است و این بار او کشته خواهد مگر این که از کار با "کافران" دست بکشد. درحالی که مردانی که با دولت سروکار دارند در معرض حملات طالبان قرار دارند، زنان اما با خطرات بیشتر روبه رواند.

در جریان چند سال گذشته زنان برجسته فعال در حیات سیاسی افغانستان، به شمول ستاره اچکزی عضو شورای ولایتی و فعال صلح، ملالی کاکر فرمانده ارشد پولیس، زکیه زکی ژورنالیست صریح الکلام و صفیه عمه جان، رئیس ریاست امور زنان به قتل رسیده اند. قاتلان این زنان مقتول هنوز به دست عدالت سپرده نشده اند. این فضای معافیت آنانی را که مسؤل این کشتار ها اند تشجیع می کند و به خطرات و تهدیدهای که فعالان زن با آن مواجه می باشند، می افزاید.

زنانی که برای دفاع از حقوق شان صحبت می کنند، به شمول اعضای زن پارلمان، به صورت منظم با تهدید مواجه می شوند. این تهدیدها برای کسانی که ترس های شان را در باره خیزش مجدد سیاسی طالبان ابراز می دارند، بزرگتر می باشد چراکه رهبران طالبان به تهدید و قتل کسانی که از آنها انتقاد یا با آنها مخالفت می کند، خو گرفته اند. برخی بیم آن را دارند که اگر طالبان یا سایر فرماندهان شورشی که نگاه خصمانه نسبت به حقوق زنان دارند وارد حکومت شوند، احتمالاً خشونت و تهدیدها علیه زنان افزایش پیدا کند. به قول یک فعال برجسته حقوق زنان:

"من فکر می کنم این به معنای از دست رفتن زندگی برای زنان خواهد بود نه فقط فشار بیشتر. طالبان پس از آن که به قدرت برسند، راه هایی را برای تحمیل موضع یا طرزتفکر شان بر مردم پیدا خواهند کرد. فعالان مانند ما بزرگترین مشکل برای آنهاست، ما نباید اینجا باشیم. برای آنها ما یک مشکل هستیم."

تمامی زنانی که برای تهیه این گزارش مصاحبه شدند از مذاکره برای پایان بخشیدن به منازعه حمایت به عمل آوردند. آنها اما این دیدگاه را بیان داشتند که اگر طالبان سهمی در قدرت ملی به دست بیاورند یا به عنوان بخشی از توافق نامه صلح به صورت رسمی بر تمام ولسوالی ها یا ولایت ها حکومت کنند، تبعات آن برای حقوق زنان می تواند دهشت ناک باشد.

زنان افغان در محیطی به دفاع از حقوق شان می پردازند که پیش از این عمیقاً خصمانه است. هرگونه ارزیابی از حقوق زنان و در واقع امیدها برای صلح و آشتی درازمدت باید در متن رهبری سنتی و غالباً زن ستیزانه مردان که بر سیاست افغانستان مسلط است، صورت گیرد. حکومت افغانستان، غالباً با تأیید ضمنی دولت های خارجی کلیدی و نهادهای بین الدولتی، به

جنگ سالاران کنونی و گذشته از طریق دادن مقام های رسمی به بعضی و دادن معافیت مؤثر از پیگردهای قانونی برای جرایم جدی به سایرین، قدرت داده است. معاملات پس پرده با فرماندهان متهم به جنایت سبب شکل گیری دسته های قدرت مند در درون حکومت و پارلمان شده است که مخالف بسیاری از حقوق و آزادی های می باشند که زنان اینک از آن برخوردارند. چنانچه یک فعال به ما گفت: " ما زنان تفنگ و تریاک در اختیار نداریم و ما جنگ سالار نیستیم، از این رو ما در فرایندهای تصمیم گیری قرار نداریم."

نگرانی ها از این که ادغام مجدد و مصالحه ممکن است نتیجه معکوس برای زنان داشته باشد بعضاً از بی اعتمادی نسبت به این که حکومت افغانستان فعالانه حقوق زنان را حفظ خواهد کرد، نشأت می گیرد. حکومت کرزی دارای پیشینه قربانی کردن حقوق جهت دلجویی از گروه های مذهبی افراطی به خاطر مصلحت سیاسی می باشد، چنانچه رئیس جمهور کرزی قانون تبعیض آمیز احوال شخصیه شیعیان (که حقوق متعدد زنان شیعه، از جمله حق حضانت طفل و آزادی گشت و گذار، را سلب می کرد) را در ماه مارچ 2009 توشیح و دو عامل تجاوز جنسی را عفو کرد.

حکومت به زنانی که از خطرات ادغام مجدد و آشتی نگرانند، اطمینان اندکی داده است. براساس گزارش ها، عبدالهادی ارغندیوال، وزیر اقتصاد و رهبر برجسته حزب اسلامی، در اپریل 2010، به گردهمایی از رهبران زن که روی مصالحه بحث می کردند گفت که زنان باید منافع خود را به خاطر صلح قربانی کنند.

مقامات دولتی در اکثر موارد، وعده ضعیف می دهند که تنها کسانی که با القاعده ارتباط ندارند، از خشونت دست برمی دارند و به اطاعت از قانون اساسی موافقت می کنند اجازه خواهند داشت به جامعه ادغام شوند یا به پروسه مصالحه بپیوندند. ماده 22 قانون اساسی به تساوی مردان و زنان تصریح می کند. با وجود این، قانون اساسی یک ضمانت کافی نیست زیرا به صورت عادی نادیده گرفته و نقض می شود و راه های قانونی بسیار محدودی برای جبران وجود دارد. تصویب قانون احوال شخصیه شیعیان، که به نوبه خود حقوق تساوی زنان را که در قانون اساسی مندرج است، نقض می کند، مثال تمام عیار این امر بود. یک فعال حقوق زن گفت: " (قانون اساسی) به من اطمینان نمی دهد. طالبان به قانون اساسی احترام نمی گذارند... طالبان براساس یک ایدئولوژی عمل می کنند و ایدئولوژی آنها در مخالفت با حقوق زنان قرار دارد."

دولت افغانستان باید در هر گونه مذاکرات به در اولویت قرار دادن حمایت از حقوق زنان، به شمول حقوق تعلیم و تربیه، کار، مراقبت های صحی، دسترسی به عدالت و مشارکت در حیات سیاسی، تعهد نشان دهد. حقوق متذکره حقوق "غیر قابل معامله" را تشکیل می دهد که باید مورد توافق هر کسی که در پی مصالحه با حکومت است، قرار گیرد.

مشارکت کامل رهبران زن در میز مذاکره به این امر کمک خواهد کرد که مطمئن شویم که این حقوق مورد معامله قرار نمی‌گیرد. در واقع، شامل ساختن زنان در تمام سطوح حکومت و مشارکت سطح بالای آنها در طرح‌های ادغام مجدد و مصالحه یکی از مهمترین ضمانت در برابر از بین رفتن تدریجی حقوق زنان است. فعالان زن از طریق تلاش‌های شدید دادخواهی اساساً سطوح نمایندگی‌شان را افزایش خواهند داد. زنان که در ابتدا کمتر از 10 درصد مشارکت به آنها وعده داده شده بود، سرانجام 20 درصد نمایندگی در جرگه مشورتی صلح در ماه جون 2010 را به دست آوردند. چندین فعال برجسته حقوق زن احساس کردند که با تعمد از جرگه حذف می‌شوند و نمایندگان زن هنوز در سطوح رهبری، از جمله تعیین تنها یک زن به عنوان رئیس از مجموع 28 رئیس کمیته جرگه، حضور کم رنگ داشتند. یکی از شرکت‌کنندگان زن به دیدبان حقوق بشر گفت: "نشستن رو در رو با بعضی از این بنیادگرایان، جنگ سالاران، علما و صحبت کردن در باره حقوق زنان دشوار بوده است. اما 10 یا 12 نفر از ما زنان در هر کدام از کمیته حضور داشتند، بنا براین ما صحبت کردیم و هنوز زنده هستیم. این یک تغییر کلان بود."<sup>2</sup> رئیس جمهور کرزی و چندین سیاست‌مدار ارشد (مرد) از ضرورت شمولیت زنان سخن گفتند.

با وجود این، قطع‌نامه پایانی فاقد هر گونه ضمانت برای مشارکت قابل توجه زنان در سطوح تصمیم‌گیری در نهادهای اجراکننده ادغام مجدد یا مصالحه، مانند شورای عالی صلح یا دارالانشای مشترک پروگرام‌های صلح، مصالحه و ادغام مجدد، بود. زنان در ریاست‌ها و وزارت‌های دولتی، جایی که بیشترین تصمیم‌مهم اتخاذ می‌شود، نیز حضور زیاد ندارند. تا زمانی که به این عدم توازن رسیدگی نشود، خطر فروخته شدن حقوق زنان بسیاری واقعی می‌نماید.

با وجود وعده‌های حامیان بین‌المللی افغانستان مبنی بر گسترش حقوق زنان، این ترس وجود دارد که آنها نیز ممکن است در تلاش برای یک راهبرد خروج از افغانستان آماده قربانی کردن حقوق زنان باشند. درحالی که هیلری کلینتون وزیر خارجه ایالات متحده به دلیل این که پیوسته به تأکید بر وضعیت زنان افغان می‌پردازد مورد ستایش قرار گرفته است، ولی ناکامی رئیس‌جمهور باراک اوباما در اشاره به حقوق زنان در سخنرانی ماه دسامبر 2009 خود که در مورد پالیسی اداره اش راجع به افغانستان ایراد کرد پیام‌نگران‌کننده‌ای به زنان افغان فرستاد.

مخاطبان داخلی در کشورهای مانند ایالات متحده، کانادا و بریتانیا که سربازان‌شان در جریان چندین سال جنگ تلفات زیادی را متحمل شده‌اند ممکن است به آسانی تغییر از صحبت کردن از شکست دادن طالبان به تأیید مصالحه با رهبری طالبان را نپذیرند. مقامات نظامی و ملکی این دولت‌ها اینک به منظور شیرین کردن این آش‌کشک مشتاقند که بر آنچه که به عنوان ماهیت غیرایدئولوژیک شورش نمایش داده شده است، پای‌بفتشارند. ادغام مجدد "طالبان ده دالر"، سربازان "میان‌رو"، "عمل‌گرا"، یا "دارای انگیزه غیرایدئولوژیک" که برای پول یا امتیازات اقتصادی دیگر می‌جنگند نه به دلایل دینی یا ایدئولوژیکی

---

<sup>2</sup> مصاحبه تلفنی دیدبان حقوق بشر با فعال حقوق زن، 10 جون 2010

گفتمان مسلط را تشکیل می دهد. دگر جنرال گرام لمب (Graeme Lamb) رئیس بخش ادغام مجدد نیروهای بین المللی کمک به امنیت یا آیساف اظهار داشت: "این طالبان کیست؟ اینها مردم محل هستند، اکثریت مطلق به خاطر دستمزد می جنگند نه بر بنیاد بعض دلایل ایدئولوژیکی."

درحالی که فقر و نارضایتی های محلی بدون شک به شورش دامن می زند، این دیدگاه اما تاریخ طولانی اعمال تبعیض، تجاوز و بی رحمی از سوی طالبان، و رنج جاری زنان در دست گروه های شورشی را کم اهمیت جلو می دهد یا نادیده می گیرد.

حکومت افغانستان به وسیله قدرت مستقر جنگ سالاران سابق و ثروت مندان اوباش قبلا تضعیف شده است. این وضعیت سال های معامله گری را بازنمایی می کند که به نام ثبات و امنیت انجام می شد و حکومت و حامیان بین المللی آن هر دو در این زمینه مسؤند. باکمال تأسف باید گفت که مصالحه با طالبان و دیگر گروه های شورشی ممکن است از الگوی مشابه تفکر کوتاه مدت به قیمت حقوق زنان پیروی کند.

در جنوری 2010 کشف شد که دولت افغانستان یک قانون عفو عمومی را نافذ کرده است که به جنگ جوانی که به روند مصالحه ملحق می شوند مصونیت از تعقیب اعطا می کند. این قانون مکلفیت های افغانستان براساس قانون بین المللی را نقض می کند. براساس قوانین بین المللی دولت افغانستان باید تمامی کسانی را که مسؤل جرایم جنگی، جرایم علیه بشریت و دیگر موارد جدی نقض حقوق بشر، از جمله جرایم جنسی در جریان جنگ اند، مورد پیگرد قانونی قرار دهد. این قانون بر مجرمان تمامی جوانب به شمول طالبان و دیگر رهبران شورشی تطبیق می شود. درحالی که اعطای عفو به افرادی که فقط در یک منازعه مسلحانه شرکت ورزیدند یک کار شایسته است، ولی نباید کسانی را که مرتکب تخطی های جدی از قوانین بین المللی شدند به عنوان بخشی از روند مصالحه از پیگرد جزایی عفو کرد.

مصالحه نیاز ندارد و نباید از الگوی جذب گروه ها از طریق قراردادن آنها در فوق قانون که مدت هاست که در افغانستان اعمال می گردد، پیروی کند: عدالت و پاسخ گویی، از جمله تعقیب قانونی مسؤلان جرایم جدی و بررسی شدید تر صلاحیت کاندیداها برای مقام انتخابی و تعیینات سیاسی، می باید در محور پروسه مصالحه قرار گیرد. معافیت زمینه بسیاری از بدترین موارد نقض حقوق را که زنان و دختران با آن مواجهند، فراهم می آورد. این موارد از خشونت جنسیتی گرفته تا حملات بر زنان فعال در حیات سیاسی را در بر می گیرد. تنها چند مجرم تجاوزات جنسی علیه زنان و دختران تاهنوز مورد پیگرد قانونی قرار گرفته اند: پذیرفتن این مجرمان در داخل دولت یا اعطای عفو عمومی به آنها فقط باعث تشدید فضای معافیت می گردد. این امر خطر وخیم تر ساختن محیط سیاسی که پیش از این برای زنان خصمانه است را نیز به همراه دارد. اگر زنان در میز مذاکره و در نهادهای که به تطبیق پروگرام های ادغام مجدد و مصالحه می پردازند حضور داشته باشند، فرصت این را پیدا می کنند که بتوانند حقوق شان را حفظ کنند.

دولت افغانستان تحت فشار عظیمی از سوی تمام جوانب قرار دارد. دولت های که بیشترین نیرو را در افغانستان دارند نیز تحت فشار بزرگ داخلی قرار دارد که باید نیروهای شان را به خانه برگردانند. این فشارها نباید به کم ارزش شمردن مردم افغانستان در معاملات شتاب زده و غیرمحتاطانه ای منتهی شود که فقط به یک آرامش اجاره ای منجر خواهد شد. حصول اطمینان از این که پروسه ادغام مجدد و مصالحه به صلح عادلانه و شمول گرایانه که از حقوق همه افغان ها، از جمله زنان و دختران، حمایت کند منجر خواهد شد نیازمند رهبری دوراندیشانه دولت و حامیان آن می باشد.

(متن کامل این گزارش به زبان انگلیسی در این سایت قابل دسترس است:

[www.hrw.org/asia/afghanistan](http://www.hrw.org/asia/afghanistan))

## پیشنهادات

دیدبان حقوق بشر از سند رهبران زن جامعه مدنی افغانستان تحت عنوان، "واکنش ها به نتیجه نهایی بیانیه کنفرانس لندن" که در 29 جنوری 2010 صادر شد، حمایت به عمل می آورد. این سند حاوی پیشنهادهای ذیل می باشد:

- زنان باید از سوی تمامی مراجعی که به تدوین پروگرام ملی صلح و ادغام مجدد می پردازند مورد مشوره قرار گیرند و در آنها نمایندگی داشته باشند
- صندوق وجهی پیشنهادی صلح و ادغام مجدد برای تمویل پروگرام های صلح و ادغام مجدد به رهبری افغانستان باید این اطمینان را به وجود بیاورد که بخشی از مشوق های مالی که برای حمایت از جذب مجدد به مردم داده می شود برای حمایت از قدرتمندسازی زنان و توسعه و حمایت از حقوق زنان از طریق نظارت شدید و جبران خسارت استفاده می شود.
- باید برنامه عمل ملی در مورد آرامش و امنیت زنان در محور پالیسی امنیت ملی قرار گیرد و سهمیه ای برای نمایندگی زنان در تمام مشوره های صلح و امنیت در نظر گرفته شود.<sup>3</sup>

### ادغام مجدد و مصالحه

دیدبان حقوق بشر از دولت افغانستان می طلبد که:

- مطمئن شود که تمامی کسانی که با پروسه مصالحه موافقت می کنند ضمانت های قانون اساسی برای تساوی میان مردان و زنان، از جمله حق تعلیم و تربیه، حق کار و حق مشارکت در حیات سیاسی را صریحاً می پذیرند.

---

<sup>3</sup> "واکنش ها به نتیجه پایانی بیانیه کنفرانس لندن"، 29 جنوری 2010



- به کمیته نظارت بر تطبیق قانون اساسی (که تعیین شده است ولی هنوز فعال نیست) صلاحیت بدهد تا تضمین کند که ادغام مجدد و مصالحه ضمانت های قانون اساسی برای حقوق زنان را نقض نمی کند.
- مطمئن شود که روند مصالحه تمام اعضای تشکیل دهنده جامعه به شمول زنان و اقلیت های قومی و مذهبی را دربر می گیرد.
- به یک خط زمانی برای پیشبرد برنامه عمل صلح، مصالحه و عدالت پیشاپیش یا همزمان با پروسه مصالحه متعهد شود.
- اطمینان یابد که شورای عالی صلح و دارالانشای مشترک پروگرام های صلح، جذب مجدد و آشتی برای بررسی تأثیر ادغام مجدد و مصالحه بر حقوق زنان و دختران از صلاحیت خاص برخوردار می باشد.
- مطمئن شود که سوابق فرماندهان شورشی که برای جذب مجدد و آشتی در نظر گرفته می شود مورد بررسی قرار می گیرد و مقام های سیاسی و بوروکراتیک در سطح ولسوالی، ولایتی و مرکز به کسانی که پیشینه نقض حقوق به شمول انجام حملات بر مکاتب و انجام تهدیدها یا حملات علیه زنان دارند، داده نمی شود. جذب مجدد یا آشتی با جنگ جویان سابق باید تابع طرز العمل های بررسی صلاحیت برای مقام های دولتی نیز باشد.
- آموزش های لازم را در مورد حقوق زنان که در قانون اساسی و قوانین عادی افغانستان (مانند قانون محو خشونت علیه زنان) و قوانین بین المللی حقوق بشر تسجیل گردیده است در جذب مجدد و توانبخشی شورشیان سابق شامل کند.

### نماینده‌گی زنان

دیدبان حقوق بشر از دولت افغانستان می خواهد که:

- مطمئن شود که مشارکت و نمایندگی زنان در شورای عالی صلح و دارالانشای مشترک برنامه های صلح، ادغام مجدد و مصالحه تأمین می شود.
- اطمینان یابد که زنان در مذاکرات دولت با گروه های شورشی حضور دارند و می توانند نقش مؤثری ایفا کنند.
- مطمئن شود که زنان در سطوح تصمیم گیری در همه مجمع های ملی، ولایتی، ولسوالی و قریه، جایی که بحث ها و فیصله ها راجع به جذب مجدد و مصالحه صورت می گیرد، حضور دارند. به همین ترتیب، اطمینان حاصل کند که زنان به شیوه ای شفاف گزینش می شوند و حضور آنها برای فعالان و سیاست مداران زن قابل پذیرش است تا از نمایندگی نمایشی وفاداران دولت پرهیز شود. شبکه زنان افغان، وزارت امور زنان و اعضای زن پارلمان باید نمایندگان زن را انتخاب یا تأیید کنند.
- اطمینان یابد که زنان در شوراهای قریه و ولسوالی، که نقشی کلیدی در طرح های جذب مجدد بازی خواهند کرد، حضور دارند.

- برای این که مطمئن شود که زنان در تمام وزارت خانه ها و نهادهای دولتی، به شمول وزارت خانه های که در پروسه ادغام مجدد و مصالحه دخیل اند، مانند کمیسیون ملکی سازی و ادغام مجدد، ریاست مستقل ارگان های محلی، وزارت دفاع، دفتر ریاست جمهوری و وزارت دفاع، ریاست امنیت ملی و وزارت زراعت حضور و نمایندگی بهتر دارند، اقدامات فوری رویدست گیرد.

#### **دیدبان حقوق بشر از نیروهای نظامی بین المللی مستقر در افغانستان می طلبد که:**

- اذعان کنند که تلفات ملکی، تلاشی های شبانه و بازداشت ها به دامن زدن به شورش کمک کرده است و تحقیقات همه جانبه راجع به عمل های غیرقانونی انجام دهند و پرسنل نظامی مسؤل برای این گونه اعمال را مورد بازخواست قرار دهند.
- مطمئن شوند که مساعدت های نظامی بین المللی به تلاش های جذب مجدد و مصالحه باعث افزایش معافیت و فساد نمی گردد و همکاری با مردم یا افرادی که خواهان جذب مجدد یا مصالحه اند دربرگیرنده اطلاعات کافی و بررسی سوابق آنها به خاطر اتهامات موارد جدی نقض حقوق بشر به شمول انجام حملات بر تعلیم و تربیه زنان و دختران می باشد.
- اطمینان یابند که امنیت زنان در تمامی تلاش های ادغام مجدد و آشتی نظامیان بین المللی، از جمله کمک های مالی که از طریق صندوق وجهی صلح و ادغام مجدد تأمین نمی شود، مانند پروگرام واکنش فرماندهان به حالت اضطراری مورد توجه جدی قرار می گیرد.

#### **دیدبان حقوق بشر از سازمان ملل و تمویل کنندگان بین المللی می خواهد که:**

- بر پروسه ادغام مجدد و مصالحه نظارت کنند تا که باعث نقض قطع نامه های شورای امنیت سازمان ملل، به شمول قطع نامه شماره 1325، که نقش حیاتی زنان در دستیابی به صلح و امنیت را به رسمیت می شناسد، قطع نامه های شماره 1820 و 1888 در مورد جلوگیری از پیگردقانونی خشونت جنسی در منازعات مسلحانه و قطع نامه شماره 1889، که به اشاعه و تشویق مشارکت زنان در دوره های پس از منازعه و بازسازی می پردازد، نشود.
- مشارکت معنادار زنان در نهادهای تصمیم گیری مربوطه را پیش شرطی برای تمویل پروگرام های ادغام مجدد قرار دهند و مطمئن شوند که کمک های مالی برای پروگرام ادغام مجدد به سود خانواده ها و اجتماعات، از جمله زنان است نه به سود جنگ جویان سابق انفرادی.
- نظارت بر جنگ جویان سابق که برای ادغام مجدد و مصالحه در نظر گرفته می شوند، به خصوص نظارت بر کسانی که برای اداره دولتی در نظر گرفته می شوند را در چهارچوب نهاد ناظر شامل سازند. بر آزادی بازداشت شدگان که با پروسه ادغام مجدد و مصالحه پیوند دارد نظارت کنند تا مطمئن شوند که رهایی بازداشت شدگان تابع مداخلات سیاسی نیست.

## حملات بر زنان فعال در حیات سیاسی

دیدبان حقوق بشر از دولت افغانستان می خواهد که:

- تمامی حملات بر زنان فعال در زندگی سیاسی را به طور علنی محکوم کند.
- مطمئن شود که امنیت کافی برای زنان فعال در حیات سیاسی که با تهدید مواجهه اند، فراهم می شود و امنیت افراد از سوی دولت نه بر مبنای جایگاه یا توجه ویژه بلکه بر مبنای ضرورت تأمین می گردد. برای این که مطمئن شود که تأمین امنیت بر مبنای ضرورت صورت می گیرد، یک مکانیسم نظارتی در نظر بگیرد.
- تحقیقات راجع به قتل ها و دیگر حملات بر زنان فعال در زندگی عمومی را در اولویت قرار دهد، اطمینان یابد که تمامی حملات گزارش شده ثبت می گردد، مجرمان را مورد پیگرد قرار می دهد و تدابیر پیش گیرانه را شناسایی می کند.
- اطمینان یابد که زنان در مقام های کلیدی سیاسی، از جمله در پست های وزیر و معین وزارت، گماشته می شوند.

## محدود ساختن دسترسی دختران به تعلیم و تربیه

دیدبان حقوق بشر از دولت افغانستان می طلبد که:

- تمام حملات بر معارف را مورد تحقیق قرار دهد و کسانی را که مسؤل این گونه حملات اند مورد پیگرد قانونی قرار دهد.
- مطمئن شود که وزارت معارف، وزارت داخله، لوی څارنوالی و وزارت عدلیه معلومات در مورد مجرمان حملات بر مکاتب با همدیگر شریک می کنند و این معلومات با شورای عالی صلح و دارالانشای مشترک برنامه های صلح، جذب مجدد و مصالحه و با کمیته مسؤل بررسی بازداشت شدگان امنیتی (که در جون 2010 ایجاد شد) شریک ساخته می شود.
- هرگونه مذاکره با گروه های شورشی باید بر پیش شرط توقف فوری ارباب دانش آموزان و معلمان زن و حملات بر مکاتب استوار باشد.
- استخدام و آموزش معلمان زن و تأمین صنف ها و مکاتب کافی دخترانه را در اولویت قرار دهد. در مورد این که دسترسی دختران به مکتب، به شمول تقاضا برای معلمان زن، کمک های ترانسپورته برای دختران و آموزش غیرمختلط را چگونه بهبود ببخشد، با مردم (به شمول مردمی که هدف ادغام مجدد و مصالحه قرار دارند) مشوره کند. (به گزارش دسامبر 2009 ما تحت عنوان، "ما وعده جهان را داریم: حقوق زنان در افغانستان" مراجعه کنید [\(\(http://www.hrw.org/en/node/86805\)\)](http://www.hrw.org/en/node/86805)

## عدالت انتقالی

دیدبان حقوق بشر از دولت افغانستان می خواهد که:

- اذعان بدارد که صلح دایمی باید به مظالم اساسی، از جمله به جرایم گذشته، رسیدگی کند. از مجمع های مانند جرگه مشورتی صلح برای آغاز یک گفتمان ملی راجع به التیام بخشیدن به جراحت های چندین دهه جنگ، چگونگی آوردن عدالت برای قربانیان نقض حقوق بشر و چگونگی تأمین حمایت برای اجتماعات آسیب پذیر استفاده کند.
- قانون عفو عمومی را لغو کند و مطمئن شود که کسانی که علیه شان اتهامات معتبر جرایم جنگی، جرایم علیه بشریت و دیگر موارد جدی نقض حقوق بشر وجود دارد از روند آستی حذف شوند.
- به یک چهارچوب زمانی برای پیشبرد برنامه عمل صلح، مصالحه و عدالت پیشاپیش یا همزمان با پروسه مصالحه متعهد شود.
- مکانیسم های موجود بررسی صلاحیت و شکایت ها برای انتخابات و همچنین تعیینات سیاسی، اداری و قضایی را تقویت کند تا افراد از تمامی گروه های مسلحانه موجود و قبلی که علیه شان اتهامات معتبر جرایم جنگی، جرایم علیه بشریت و موارد نقض جدی حقوق بشر وجود دارد از ادارات دولتی حذف شوند.
- راه حل شفاف و معتبر حل اختلاف و مکانیسم های پاسخگویی را در پروسه ادغام مجدد و مصالحه، به شمول تدابیر برای رسیدگی به شکایت ها علیه مقامات دولتی، شامل سازد. مطمئن شود که مقامات دولتی که به تطبیق این مکانیسم های پاسخ گویی می پردازند خودشان تابع شکایت های اجتماعات محلی می باشند.

## اصلاح حکومت داری

دیدبان حقوق بشر از دولت افغانستان می طلبد که:

- به منظور رسیدگی به علل اساسی شورش و بهبود چشم اندازهای آوردن صلح دایمی، اقدامات مهمی را برای افزایش سرعت اصلاح حکومت داری رویدست گیرد تا بتواند حقوق و آزادی های بنیادین مردم را به شکل بهتر حفظ کند.
- مطمئن شود که صلاحیت تمامی کاندیدان برای مقام سیاسی، مقام های ارشد دولتی و خدمات ملکی به صورت مستقلانه و بی طرفانه مورد بررسی قرار می گیرد تا افرادی که با اتهامات معتبر موارد نقض حقوق بشر، پیوند با گروه های مسلحانه یا فعالیت های جنایی رو به رو اند، حذف می شوند. این امر شامل تقویت کمیته مشورتی تعیینات ارشد و کمیسیون مستقل اصلاحات اداری و خدمات ملکی، ایجاد یک نهاد برای بررسی تعیینات قضایی و تقویت بررسی صلاحیت انتخاباتی برای بررسی اتهامات معتبر موارد نقض حقوق بشر می گردد. این اقدامات باعث کمتر آسیب پذیر ساختن روند بررسی صلاحیت جنگ جویان سابق در برابر اتهامات بی عدالتی می گردد.

- مطمئن شود که مراجع پاسخگویی که جدیداً ایجاد و تقویت می شود به طور شفاف به تحقیق در مورد اتهامات موارد نقض حقوق بشر و فساد علیه مقامات در تمام سطوح حکومت و خدمات دولتی می پردازند و کسانی که مسؤل شناخته می شوند از مقام شان برکنار می شوند و به صورت درست مورد تعقیب قانونی قرار می گیرند.

**جولای 2010**